

ضرورت تغییر

گفتگو با بیژن حکمت
پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۸۲

اشاره: مصاحبه‌ی زیر با توجه به نزدیک بودن نشست آتی "اتحاد جمهوری خواهان" با آقای بیژن حکمت، یکی از امضاکنندگان اولیه‌ی سند "اتحاد جمهوری خواهان"، صورت گرفته است. در این مصاحبه سعی گردیده است پاسخ‌هایی در مورد چگونگی شکل‌گیری "اتحاد جمهوری خواهان" و سمت و سوهای سیاسی - تشکیلاتی آینده‌ی این جریان بدست آید. جهانگیر ایزدی

سوال: آقای حکمت کدام انگیزه‌ها سبب گردید که شما و دوستانتان تلاش در گردآوری نیروی جمهوری خواهان داشته باشید؟ و آیا تلاش‌های انجام شده را موفقیت آمیز می‌دانید؟

با بن بست اصلاحات، ضرورت پیش کشیدن تغییر "ساختار حقوقی حاکمیت" بعنوان برنامه‌ای برای سازماندهی و بسیج نیروها در جهت تغییر "ساختار حقیقی قدرت"، در میان جمهوری خواهان و بسیاری از اصلاح طلبان پیگیر و پیشرو احساس می‌شد. متأسفانه درون کشور تا کنون این پروژه به سرانجامی نرسیده است. سید محمد خاتمی همچنان تغییر قانون اساسی را "خیانت" می‌داند و سعید حجاریان و محمدرضا خاتمی با این استدلال که "صور حقوقی ساختاری نیست" و یا "مشکل اساسی در کشور ما نبودن حاکمیت قانون است، نه نارسا بودن آن"، همچنان در پی تفسیر و قرائت دیگری از قانون اساسی هستند. از یکی دو روشنفکر اصلاح طلب مانند علوی‌نبار و یا سحرخیز هم در شرایط کنونی کاری ساخته نیست، گرچه کلام آنها در تحول دیدگاه‌ها موثر است.

در خارج کشور بر عکس دریافت همگانی جمهوری خواهان از ضرورت تغییر قانون اساسی، دیدگاه‌ها را به هم نزدیک می‌ساخت و زمینه‌ی شکل‌گیری یک جبهه یا آلترناتیو سیاسی جمهوری خواه را فراهم می‌آورد. ما همه به این نتیجه رسیده بودیم که تشکیل چنین جبهه‌ای می‌تواند بر ذهنیت سیاسی و استراتژی فعالان درون کشور تأثیر بگذارد و تمام‌انتهایی را که به ضرورت تغییر ساختار حقوقی رسیده‌اند در یک جنبش وسیع هماهنگ کند، حتی اگر به علل قابل فهم نتوانند به صراحت ما سخن گویند.

کوشش جمهوری خواهان ملی تا جایی که در شکل‌گیری این اتحاد سهم بودند از این ارزیابی مشترک برمی‌خواست. علاوه بر این بسیاری از فعالان سیاسی منفرد با آن که به کار سیاسی سازمانیافته تمایل داشتند، کوششی به سوی سازمان‌های موجود احساس نمی‌کردند و می‌خواستند در چارچوبی گسترده‌تر و عمومی‌تر فعالیت کنند. آنها همه از نسل جوانتر هستند. ایجاد اتحادی از افراد جمهوری خواه می‌توانست زمینه‌ی امکانی برای تبلور سازمانی استعدادهای فراوانی فراهم آورد و انتقال تجربه‌ها و تداوم کار سیاسی را تضمین کند. به نظر من زمان آن فرا رسیده بود که کار به دست جوانترها سپرده شود و افراد سازمانی و غیر سازمانی در تعامل با هم فصل جدیدی را در سازمانیابی دموکراتیک بگشایند.

اینک کوششی که به همت منفردین و فعالان سیاسی چندین سازمان از یکی دو سال پیش آغاز شده بود، به نتایج قابل ملاحظه‌ای رسیده است. تا کنون بیش از هزار نفر از بیانیه "برای اتحاد جمهوری خواهان" حمایت کرده‌اند و چند صد نفر هم به ویژه از درون کشور بدون امضاء، پشتیبانی و آمادگی خود را برای همکاری اعلام کرده‌اند. این دستاورد بزرگی است که باید به آن ارج گذاشت و با الهام از این استقبال در کارهای بعدی با تفاهم و اجماع گسترده پیش رفت. اختلاف نظرها و دیدگاه‌ها باید امکان بروز داشته باشند، هم چنان که داشته‌اند، به خاطر اجماع نباید از اعلام نظر خودداری کرد. ولی هنگام تصمیم‌گیری باید ضرورت تفاهم را به دیده گرفت.

سوال: با توجه به این که نیروی اصلی امضاکنندگان "بیانیه‌ی جمهوری خواهان" در خارج از کشور هستند، تا چه میزان امید به پیوند این نیرو با جنبش داخل کشور دارید، چه با نیروهای سیاسی داخلی و چه با پایگاه اجتماعی جمهوری خواهان در کشور؟

نه ما و نه هیچ نیروی سیاسی دیگری در خارج از کشور نمی‌تواند مستقیماً با پایگاه اجتماعی مفروض خود پیوندی قابل اتکا برقرار سازد. مسلماً اینترنت و به ویژه تلویزیون هر دو ابزار ارتباطی مهمی برای رابطه مستقیم هستند، ولی هیچکدام جای فعالان سیاسی درون کشور را نمی‌گیرند. ما باید با استفاده از این ابزارها و تماس‌های گوناگون، دیدگاه‌های خود را نخست به میان کسانی ببریم که در عرف اروپایی "طبقه سیاسی" خوانده می‌شوند. با آنها وارد تعامل و گفتگو شویم تا جایی که تفاهم هست فعالیت‌های خود را هماهنگ سازیم. مبارزه‌ای که در ایران جریان دارد اساساً در سطح علنی است و نباید انتظار داشت که همفکران ما درون کشور به صراحت ما در خارج از کشور سخن گویند. در رابطه با نیروهای سیاسی داخل هم هماهنگی در شعارها و فعالیت‌ها نخستین گام برای پیوند است.

سوال: تا کنون تنها یک سند و چند موضع‌گیری سیاسی از جمهوری خواهان انتشار یافته، کدام

شیوهی کار برای شما الویت دارد، تاکید بر انتشار اسنادی که بیشتر توضیح دهندهی "هویت" جمهوری خواهان هستند و اجماع بر روی آنان ساده‌تر صورت می‌گیرند و یا تاکتیک‌های سیاسی که معمولاً تصمیم‌گیری روی آنها همواره با تنش همراه است؟

این سنوال بیشتر از این روست که انتخاب یکی از دو شیوهی کار مورد بحث معمولاً با عارضه‌های خاص خود روبرو هستند، انتخاب شیوهی اول ارتباط یک جریان سیاسی را با شهروندان کمتر مدنظر قرار می‌دهد، چرا که مردم شما را در وحلهی نخست با تاکتیک‌های سیاسی تان می‌شناسند و شیوهی دوم نیاز به شکل‌گیری حد معینی از نهادهای حزبی دارد.

این هر دو لازمه‌ی یک فعالیت سیاسی ثمر بخش است. ما باید با تکیه بر هویت مشترک جمهوری خواهان گام به گام روی مشی سیاسی و تاکتیک‌ها به تفاهم برسیم. و این تا زمانی که انسجام سیاسی و زبان مشترک و علاقه به ادامه‌ی همکاری آنقدر در ما قوی شده باشد که بتوانیم قاعده اکثریت و اقلیت را در میان خود جاری سازیم. تا آن زمان ما مجبوریم روی حداقل‌هایی که مورد اجماع گسترده است، باقی بمانیم. در اتحاد جمهوری خواهان هم مانند تشکلهای دیگر، در آینده گرایش‌های موجود تبلور سیاسی گروهی خواهند یافت. ولی چنین روندی پس از دستاورد حداقل انسجام رخ خواهد نمود.

ما الان در میان خود بعنوان مثال فدرالیست و غیر فدرالیست داریم، ولی ما نمی‌توانیم با اقلیت و اکثریت در مورد چنین مسئله مهمی که به نظام سیاسی کشور مربوط می‌شود، تصمیم بگیریم. فزون بر این، چنین مسائلی فقط به "اتحاد جمهوری خواهان" خلاصه نمی‌شود، ما باید پایگاه اجتماعی بالقوه و متحدین آینده خود را در نظر بگیریم. کوشش در ساختن آلترناتیو، صبر و حوصله می‌خواهد. کسانی که در ایران از نظر فکری به ما کم و بیش نزدیک هستند، هنوز وارد این بحث نشده‌اند و ما نباید در مورد مسائل مهم بدون یک گفتگوی گسترده، تفاهم و سازش، اعلام موضع کنیم. نباید فقط به خارج کشور و مقالات در اینترنت نگریم. باید فعالانه از داخل هم نظرخواهی و نظرجویی کرد و گفتگوها را سازمان داد.

سنوال: کدام نهادهای سازمانی در میان امضا کنندگان "بیانیه جمهوری خواهان" شکل گرفته‌اند و کارهای انجام گرفته از سوی آنها کدام است؟

تا کنون در میان ما علاوه بر واحدهای محلی، یک شورای موقت هماهنگی و یک هیات اجرائی شکل گرفته که وظیفه‌ی آنها اساساً برگزاری اجلاس و سازماندهی بحث و گفتگوهای درونی می‌باشد. دو گروه نیز برای نگاشتن بیانیه‌هایی که زیاد بحث انگیز نیست و می‌تواند مورد توافق عمومی باشد، درون شورا تعیین شده است. فزون بر این هفت الی هشت گروه کار داوطلبانه شکل گرفته است که هر کدام در زمینه‌ی نگاشتن اسناد، ارتباطات و تدارکات فعال هستند. نتیجه‌ی کار آنها را می‌توان در تارنمای بیرونی و درونی اتحاد جمهوری خواهان مشاهده کرد و یا با شرکت در جلسات "پال تاقی" از آنان آگاه گردید.

سنوال: به نظر شما سمت و سوی سازمانی جمهوری خواهان در آینده چگونه باید باشد که هم دربرگیرنده‌ی تنوع فکری جمهوری خواهان باشد و هم بتواند به پراکندگی جغرافیایی این نیرو پاسخ مساعدی بدهد؟ نشست آتی آیا در این زمینه تصمیمی خواهد گرفت؟

همان طور که پیشتر هم عرض کردم بادم به نظر من اتحاد جمهوری خواهان باید بیشتر خصلت جنبشی داشته باشد و بتواند دیدگاه‌های متفاوتی را با حفظ میانی وحدت درون خود جای دهد. این امر مستلزم آن است که ما از یک ساختار متمرکز پرهیز کنیم و رهبری آینده ما صرف نظر از نام آن، بیشتر نقش هماهنگ کننده را داشته باشد. فعلاً چندین طرح تشکیلاتی مورد گفتگوست و هنوز اجماعی صورت نگرفته است. ولی به نظر من نشست آینده باید حتماً دست کم در مورد "تشکیل اتحاد جمهوری خواهان"، "انتخاب رهبری" و "وظایف آن تا اجلاس آینده" تصمیم بگیرد.

سنوال: نظر شما نسبت به ترکیب رهبری آینده‌ی اتحاد جمهوری خواهان چیست؟

در اتحاد جمهوری خواهان فعالانی وجود دارند که یا تشکیلاتی نبوده‌اند، یا خیلی پیشترها بوده‌اند و کمتر در رهبری سازمان‌های سیاسی نقش داشته‌اند. از سوی دیگر کسانی هستند که در گذشته یا هم اکنون به کادرهای و رهبران گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی تعلق دارند. رهبری جمهوری خواهان باید تلفیقی از این دو دسته باشد. میدانیم که نسبت به گذشته افرادی از دسته‌ی دوم ایرادات و انتقاداتی هست و برخی از دوستان ما شرکت آنان را در رهبری آینده به مصلحت نمی‌دانند. به نظر من و با تاسی به گفته‌ی معروف آیت الله خمینی که هرگز به آن عمل نشد؛ ملاک وضعیت کنونی افراد است! همه‌ی ما تجربه‌ها و دگرگونی‌های سختی را از سر گذرانده ایم تا به اینجایی که امروز هستیم، برسیم. افکار و رفتار امروز بسیاری از جمهوری خواهان، نتیجه‌ی روندی طولانی از افت و خیز سیاسی و کج و راست رفتن‌هاست. ولی اگر ما امروز ترازویی به دست بگیریم و بخواهیم خود را به سنجش گذشته افراد مشغول کنیم، این کار تمامی نخواهد داشت و ما به جای ساختن آینده در کوچه پس کوچه‌های گذشته گم خواهیم شد. ما مجبوریم جنبش خودمان را با مصالح موجود بسازیم. باید گذاشت هر کس بخت خود را بیازماید و اگر به او اقبال شد، تجربه و دانش خود را در خدمت مبارزه بگذارد و به دیگران منتقل کند.

با تشکر از شما که دعوت من را برای مصاحبه پذیرفتند.